

نویسنده: احمد رضا آذربایجانی (آذر)

کارشناس هنر و خلاقیت دیداری و پژوهشگر در اندیشه و خلاقیت کودکان

تجربیات ساده ولی کارا در حوزه خلاقیت و توسعه اندیشه در کودکان و نوجوانان

تماشای ویدئوهای کوتاه بهانه ای برای توسعه خلاقیت و اندیشه ورزی با کارکرد نقاشی و فلسفه برای کودکان

اندیشه چیست؟ آیا فقط "فلسفیدن" اندیشه است؟

اندیشه همان فکر است، "فکر" یک جریان ذهنی است بین آن ها که می دانیم و آن ها که نمی دانیم تا به دانسته هایمان اضافه کنیم. مثلاً به معادله روبرو نگاه کنید $17 = () + 2$

اگر از شما بپرسند جای خالی چیست؟ با یک محاسبه ممکن است بگویید عدد ۱۵ و ممکن است بگویید در پرانتز جای 5×3 خالی است یا یک محاسبه ی دیگر. ولی می دانید که جمع یا کسر یا ضرب و تقسیم آن ها عدد ۱۵ است. شما می دانستید که یک (۲)، یک (+)، یک (=)، و یک (۱۷)، دارید که به آن ها "معلوم" می گویند و یک جای خالی که به آن "مجهول" می گویند و با یکدیگر ربط دارند. این ربط را "عقل" و خاصه "تفکر" می تواند بفهمد. پس تفکر بررسی معلوم و مجهول است تا معلوم ها افزایش یابند و بررسی ما تبدیل به یک آگاهی گردد.

امروزه یکی از روش های تفکر کردن روش های "فلسفه برای کودکان" (فبک) است. از این روش می شود مجهول را بررسی کرد و به جای دادن اطلاعات، با طرح سوال و افزایش نگاه تحلیلی کودک، او را به کشف معلومات سوق داد. در اصل به جای فرایند "جاسازی اطلاعات" فرایند "کشف آگاهی" را کلید زد. به طور مثال اگر از کودک می پرسیم: آیا "من" چیست؟ بدون شک پاسخ به این مسئله نیاز به اندیشه و غور دارد. این روش کارکردی، مفید و بسیار موثر است و از روش های غیر مستقیم یادگیری و اندیشه ورزی است. اما فقط فلسفه و فلسفیدن اندیشه نیست. علوم، ریاضی، فنون و هنر هم اندیشه است و مجالی برای اندیشه ورزی هستند.

هم اکنون در عصری قرار داریم که رشد سریع تکنولوژی باعث شده فرایند های لذت بخش زود گذر جایگزین کشف و تفکر شود.

تقریباً در اکثر خانواده ها کامپیوتر، اینترنت، تبلت، گوشی های مجهز به سیستم بازی و رسانه های واتسآپ، وایپر و ... وجود دارد. گاهی آنقدر ورود فرایند های اطلاعات بالا یا سرگرم کننده است که متوجه نمی شویم چگونه روزمان شب و یا حتی شبمان را از دست داده ایم. این از دست رفتن فرصت و وقت را اگر با کسب آگاهی و معرفت همنشین نکنیم عملاً آنرا از دست داده ایم. شاید سخن قرآن در این باره بیهوده نیست که زندگی خیلی از مردم در دنیا را بازیچه ای بیهوده برای تفاخر و جلوه انگیزی کوتاه مدت بیان نموده است (حدید ۲۰).

نگارنده ی سطور می داند که هجوم این رسانه آنقدر شدید است که نمی شود کاری کرد جز تحمل آن ولی با ارائه یکی از تجربیات می خواهد فرایند کسب معرفت از آن خصوصاً در کودکان و نوجوانان را به شما ارائه نماید تا شاید با استفاده از تجربیاتی این گونه رسانه ها فضایی برای کسب معرفت و اندیشه شود. قابل ذکر مریبان یا والدینی که از خلاقیت ذهنی و هوش معنوی و هوش هیجانی بالاتری برخوردارند بهتر می توانند از آن استفاده نمایند.

در یکی از کارگاه های هنری ام ابتدا دو ویدئو کوتاه که از طریق رسانه موبایلم دریافت کردم را به سه تن از شاگردان هنری ام نشان دادم و از آن ها خواستم برداشت شان را نقاشی کنند. این دو ویدئو را اکثر بینندگان که دیده بودند به شدت با آن سرگرم شده و با آن می خندیدند. ویدئوی اول تصویر نمای بسته کودکی را نشان می دهد که توسط مادرش با قاشق ماست و نعنای می خورد و از خوردن آن لذت می برد و مدام تکرار می کند "ماست" و "دوست" و از هوش قوی برخوردار است به نحوی که حرف های مادرش را علیرغم سن کم سریع فرا می گیرد و باز تکرار می کند. ویدئوی دوم با همان نما و مجددا با دوربین موبایل فیلم برداری شده. ما یک فرد بزرگسالی را می بینیم که پوششی کودکانه بر سرش گذارده و کسی به او ماست و نعنای داده و او نیز همان اداهای کودک را تقلید و بازنمایی میکند. او در پایان حتی از این که خودش در حال اجرای این نمایش است، به شدت می خندد.

سه تن از هنرجویان این فیلم را دیدند و باید موضوع کارگاه نقاشی آن روز خود را با الهام از آن کار کنند. آن ها در تکنیک و روش خود آزاد بودند. هنر جویان عبارت بودند از: ریحانه خدایاری ۱۱ ساله (با حد اقل ۴ سال سابقه نقاشی در پرورش خلاقیت دیداری کودکان)، آرمین زارعی ۱۱ ساله (با حد اقل ۲ سال سابقه نقاشی در پرورش خلاقیت دیداری) و امیر محمد فامینی نژاد ۱۱ ساله (با حد اقل ۱ سال سابقه نقاشی در پرورش خلاقیت دیداری) هر ۳ نفر وقتی دو ویدئو را دیدند تقریباً حدود نیم تا ۱ ساعت از وقت ۳ ساعته خود را به تفکر گذراندند.

نکته: خیلی از مربیان یا والدین وقتی قرار است کودک نقاشی کند بیشتر عملکرد فیزیکی و فعالیت فیزیکی رفتاری قابل مشاهده را به عنوان نتیجه ی خلاقیت ارزیابی می کنند در صورتی که اندیشه قبل از اجرا اهمیت فراوانی دارد و همیشه باید فرصت و مجال اندیشیدن در کار را به کودکان داد. منتهی لازم است که فرایند اندیشیدن با طفره رفتن و مرور سرگرمی های دیگر اشتباه نشود. هر ۳ نقاشی نشانگر آگاهی هایی بود تحلیل عمده ۳ نقاشی می طلبد که در یک نگره فلسفی صرفاً ارزیابی شود (تا در حیطه نقد روان شناسانه)

مواردی که در ۳ نقاشی مشترکاً مشاهده شد:

1. هر ۳ نقاشی درک کودکان را از زمان و فرایند زمان نشان می دهد. از اولین مقوله هایی که ذهن انسان فلسفی اندیش را به خود مشغول می دارد مقوله ی زمان و درک آن است. زمان چیست؟ آیا زمان مقدار حرکت است؟ آیا زمان امر واقعی یا ساخته ذهن است؟ و...؟

2. هر ۳ کودک تحت تاثیر واژه هایی که شنیده بودند قرار گرفته بودند. از واژه ها "ماست" و "دوست" (به معنای دوست داشتن)

3. هر ۳ کودک دو ویدئو را یک سیر(زمانی) فرض کرده بودند.

مواردی که مستقل بودند

اصطلاحی در مباحث فلسفی و منطقی هست به نام معقول بودن و محسوس بودن، به زبان ساده معقول در مقابل محسوس است محسوس یعنی آنکه امور را با استدراک حسی مثل بوییدن، چشیدن، دیدن، شنیدن و لمس کشف و درک کنیم ولی استدراک اموری مثل جمع یا تفریق بین اعداد یا اصول محاسبه یا درک معانی یک استدراک معقول است.

قرار گرفتن در چرخه ی زمان و مشاهده ی لحظه به لحظه ی عمر هم می تواند در یک استدراک عقلی بررسی شود و هم می تواند محسوس و حسی باشد. در نقاشی امیرمحمد کودکی در حال حرکت است و در مقابلش شخص بزرگتر که تغییر را نشان می

دهد. درست مثل حرکت ماه و خورشید که برایمان طی زمان را به شکلی محسوس نشان می دهد ولی امر ثابتی که در آن مشاهده می شود تکرار واژه ی ماست در پس زمینه ی زرد است. پس زمینه ی زرد مبین یک کاوش و جست و جو و روشن شدن است (گویی) بین کودک و بزرگسال در امر خواستن تفاوتی نیست. (نقاشی شماره ۱)

ریحانه بدلیل توانایی قلمی بالا تر همین فرایند حرکت را از کودکی و خردسالی تا بزرگسالی نشان داده ولی همه را نیز در یک ظرف کشیده و آنها را از هم جدا ندیده. (نقاشی شماره ۲) در اصل نگاه او بیشتر نشانگر یک وحدت انسانی در خواستن است. او همه را در یک فرم شبیه "شعله" یا "سرو کج" جا داده و طراحی کرده است. وقتی در جزئیات آن دقت می کنیم جدا هستند ولی در کل یک مجموعه هستند. این در حالی است که نقاشی امیرمحمد آنها را کاملا ماهوی (یعنی نقش ظاهری و جزء جزء) را نشان می دهد و بیننده از تکرار فرم بدن همسان و ریتم وار به آن همتایی و وحدت پی می برد.

در نقاشی آرمین تحت تاثیر قصه و تصویر آن و ویدئو مشاهده شده عمل کرده اما نکته ی مهم خطوطی است که در زمینه نقاشی کرده و اینکه چهره ی فرد را نقاشی نکرده. (نقاشی شماره ۳) هر چقدر از آرمین خواسته شده که چهره را نقاشی کند، او فقط با سکوت و نگاهی مضطرب حاکی از آن که مفهوم به دست آمده اش مخدوش می شود، چهره را نشان نمی داد. شاید نقاشی آرمین از حیث فهم زمان به شکل کاملا معقول از هر سه نقاشی حائز اهمیت تر بود. او از این حیث چهره را کار نمی کرد که دست ها و بدن و فرم صورت انسان را به طور کلی در یک محدوده ی زمانی وسیع نشان میداد. (اصطلاحا به آن مقوله اولیه میگویند) او تصویر منجمدی از چند پریود زمانی را انتخاب نکرده تا استدراج و تدریجی بودن زمان را و قرار گرفتن انسان در زمان را نشان دهد. او کودکی، جوانی و پیری را در کلیت انسان، یک زمان و یک "آن" فرض کرده است.

نکته: تحلیل های نگارنده صرفا بررسی نقاشی نیست و چه بسا هر ۳ نفر آنها قبلا در کارگاه های اندیشه با طرح سوالات و نظرات و جست و جوهای ذهنی میزان تعقل نگری خود را نیز بروز داده اند. خصوصا که نقاشی های قبل این کودکان نیز نشانگر چنین جست و جو هایی نیز هست. به طور مثال به نقاشی شماره ۴ از آرمین زارعی توجه کنید که تصورش از نور خدا را کشیده به نحوی که شیطان را دارد می سوزاند.

فیثاغورث می گوید: زندگی سراسر آموزندگی است، همانگونه که امام کاظم (ع) می فرماید: در چیزی نیست که بنگرید و در آن عبرتی نباشد.

نتیجه: لازم است فرایند کشف و عبرت گرفتن را به کودکان یاد بدهیم همانگونه که طرح سوالات تحلیل باعث اندیشه ورزی فلسفی در کودکان می شود ارائه موضوعات نقاشی مبتنی بر حوادث روزمره (اعم از طوفان، اخبار ورزشی، جهانی، اجتماعی و خانوادگی حتی آلودگی و تمیزی هوا) می تواند مجال بروز اندیشه در کودکان بشود به نحوی که راهکار علمی بررسی حل مشکلات یا توسعه ی برکات و خوبی ها باشد. ویدئو ها و فیلم های کوتاه که مجال شاد کننده و جذاب برای بینندگان آن رسانه هاست می تواند بهانه ای برای اندیشیدن و نقاشی بچه ها باشد.



نقاشی آرمین زارعی



نقاشی ریحانه خدایاری



نقاشی امیرمحمد فامنی نژاد



نقاشی آرمین زارعی